

سفر نامه

تازمستان باقی است این جاذبه طبیعی را از دست ندهید

آبشار یخ زده سنگان



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

این هفته تصمیم گرفتیم که یک کوهپیمایی سبک را تجربه کنیم، به نظرم آبشار سنگان می توانست گزینه خوبی باشد برای یک سفر نیم روزه به اطراف تهران. هواشناسی را چک کردیم واز نباریدن برف و نوزیدن باد مطمئن شدیم و بادو نفر از دوستان هماهنگ کردیم که جمعه صبح زود به سمت سنگان حرکت کنیم، ساعت ۶ صبح قرار گذاشتیم و ساعت ۵ کوک کردیم، اما ... امان از تکنولوژی، گاهی همان ساعت های شمتاهای بزرگ با آن صدای نخراشیده گزینه بهتری است برای از خواب بیدار شدن. گزینه روز جمعه را باید علامت می زدم که زنگ بخورد و من فراموشکار طبق عادت فقط ساعت را تنظیم کردم. در خواب و بیداری با چشمان نیمه باز به پنجره نگاه کردم و از خود پرسیدم: «چرا هوا روشنه پس؟» گوشی موبایل را نگاه کردم و دیدم که بله... خواب مانده ایم، ساعت ۶ بود اما هنوز کسی تماس نگرفته بود که بپرسد کجایید، گویا دوستان مان نیز خواب مانده بودند. با سرعت برق و باد حاضر شدیم و به اصطلاح ماشین را آتش کردیم و به سمت محل قرار حرکت کردیم، دوستان نیز به ما ملحق شدند و به سمت کن رفتیم، بخش سولقان را نیز رد کردیم و به دوراهی سنگان رسیدیم، آزاد راه تهران شمال درست از کنار همین جاده باریک دسترسی روستای سنگان می گذرد و تابلویی که در مسیر ورودی روستا نصب شده بود توجه مان را جلب کرد، تابلویی با این مضمون که «ورود هر گونه وسایل نقلیه مربوط به پروژه تهران شمال به روستای سنگان ممنوع می باشد»، گویا اهالی روستا چندان دل خوشی از این آزادراه ندارند.



درست بعد از روستای سنگان روستای باغدره واقع است که ماشین را باید آنجا پارک کنیم و از همانجا تا آبشار پیاده برویم، هنوز به روستا نرسیده بودیم که قطاری از ماشین های پارک شده کنار جاده دیدیم که نوید از یک روز پر جمعیت در مسیر آبشار را می داد، ما نیز ماشین را پارک کردیم و لباس های گرم مان را پوشیدیم و به راه افتادیم، در انتهای روستای باغدره امامزاده قاسم که از نوادگان امام چهارم است قرار دارد و مسیر رسیدن به آبشار از کنار همین امامزاده می گذرد. کوه ها پوشیده از برف و همه جایک دست سفید است، برف همیشه برای من حس آرامش می آورد، از کنار چشمه آبی که در آن سرما هنوز جاریست و گوارا می گذریم و در مکانی مناسب آماده صبحانه خوردن می شویم، در این هوای سرد و برفی عجیب چای دار چین داغ می چسبد، بعد از صبحانه کمی مجهز تر می شویم؛ یخ شکن ها را به کش ها می بندیم و درست از همین جای مسیر چالش شیب شروع می شود، گروهی از کنار ما می گذرند که گویا برای خوردن جوجه کباب آمده بودند، با لباس هایی نامناسب و کش هایی نامناسب تر، به یاد آوردم که همین چند روز پیش فردی در جاده چالوس در بهمن گیر افتاد و جان خود را از دست داد، و یا چند روز پیشتر دو نفر به علت نداشتن تجهیزات مناسب فصل زمستان در کوه های اطراف کرج جان خود را از دست دادند، و به این فکر می کنم که چطور انسان می تواند جان خود را به این سادگی در طبق اخلاص بگذارد و تقدیریم طبیعت کند، از آخرین شیب هم بالا می رویم و بالاخره به آبشار می رسیدم، آبشاری که تانیمه کاملاً یخ زده است، دیدن آبشار زیبای یکپارچه یخ زده سنگان خستگی راه را از تن مان به در می کند، مشغول استراحت بودیم که مه اطراف مان را فرا گرفت و آسمان ابری شد و ما نیز کوله ها را برداشتیم و به سمت روستا حرکت کردیم و دلمان را در چکنده های یخ زده آبشار جا گذاشتیم.

که باعث می شد نه حوصله خودشان سر برود نه مالز تاب و تب فریاد زدن بیافتیم. گویا تحقیق کرده اند و ۷۴ روش از شکنجه های گوناگون ساواک را ثبت کرده اند.

محل ملاقات زندانیان

آن روزها، زیاد پیش نمی آمد که اجازه ملاقات بدهند، با این حال، محلی را برای این کار در نظر گرفته بودند. اتاق ملاقات، جای عجیبی بود که دو طرف آن باتوری های فلزی پوشانده شده بود. زندانی و اعضای خانواده در دو سوی این توری ها قرار گرفته و نگهبانی میان آن ها حائل می شد. از لابه لای توری ها تلاش می کردیم، چشمان هم را ببینیم، وضعیت بدی بود ولی به همین هم راضی بودیم.

اتاق رئیس زندان

اتاق رئیس زندان، در واقع همان اتاق رئیس ساواک است، در این اتاق، وسایل و تجهیزات گوناگونی وجود دارد که در دوران پهلوی در اختیار رئیس ساواک قرار داشته است. بسیاری از نقشه های عملیاتی آن زمان نیز در این محل قابل دیدن است.

زمان باز دید و آدرس موزه عبرت

بازدید از موزه عبرت در همه روز های هفته امکان پذیر است. ساعت بازدید در شش ماه اول سال، صبح ها از ساعت ۹ الی ۱۳ و بعد از ظهر ها از ساعت ۱۴ الی ۱۷ و در شش ماه دوم صبح ها از ساعت ۹ الی ۱۲ و بعد از ظهر ها از ساعت ۱۳ الی ۱۶ است.

به خاطر داشته باشید برای بازدید کامل از این موزه، به حداقل دو ساعت زمان نیاز دارید.

آدرس: تهران - میدان امام خمینی (ره) - ابتدای خیابان فردوسی جنوبی - خیابان کوشک مصری - خیابان شهید یار جانی - پلاک ۱۱.

توصیه های بازدید

موزه عبرت مکان تفریحی نیست، مناسب بازی و عکس گرفتن هم نیست اما چیزی که بسیاری گردشگر و افراد دیگر را به این مکان می کشاند کنجکاو ی برای دیدن واقعیت های تاریخی با چشمان خود است که موزه در این مورد عالی عمل کرده است اگر چنانچه دل تان می خواهد در مورد گذشته بیشتر بدانید و برخی از جنایات و اعمال آن زمان را حس کنید حتما موزه ی عبرت را در اولویت بدانید اینجا راهنماهایی دارد که خود اسسیر و رنج دیده ی این زندان قدیمی هستند.

با توجه به ماهیت و فضای موزه عبرت دیدن آن را به کودکان و افرادی که روحیات حساسی دارند توصیه نمی کنیم

اگر برای دسترسی به این موزه از وسایل نقلیه عمومی استفاده می کنید، ایستگاه مترو امام خمینی نزدیک ترین ایستگاه مترو به آن است.

عکس برداری با دوربین در موزه ممنوع و با استفاده از موبایل بلا مانع است.

معمولا چشم های زندانیان بسته بوده، برای ساخت این ماکت ها از تصورات آن ها درباره وسایل شکنجه، کمک گرفته شده است.

اتاق افسر نگهبان

بعد از تعیین حکم، زندانیان اول از همه وارد اتاق افسر نگهبان می شدند. اتاقی کوچک و دلگیر بود که فضایی سرد و در و دیواری بی روح داشت. چیز چندانی داخل اتاق نبود؛ تنها یک میز و چند صندلی و دفتری که مشخصات تازه واردان را در آن ثبت می کردند. افسر نگهبان دفتر قطورش را باز کرد و اسم و آدرس را در خواست می کرد. روند ثبت مشخصات که به پایان می رسید یک دست لباس زندان و یک جفت دمپایی تحویل می داد.

محل نگهداری لباس زندانیان

اتاق لباس هم جای تنگ و تاری بود. از سر تا پای اتاق پر بود از کمدهای کوچک و در بسته فلزی که هر کدام هم قفل بزرگی داشتند. زندانیان در گوشه ای لباس هایشان را تعویض می کردند و لباس زندان می پوشیدند. لباس خود را تحویل افسر نگهبان می دادند و لباس ها را در کمدی قرار می دادند.

عکاسخانه در موزه عبرت

برای تکمیل پرورنده عکس لازم بود. این جاهم مثل اتاق اول، غم زده، تاریک و کوچک بود. پرده سفیدی روبه روی دوربین آویخته بودند. تابلوی بزرگی راه به گردن می آویختند که نام و نام خانوادگی با خط بدی بر آن ثبت شده بود. از چند زاویه عکس می گرفتند! در گوشه و کنار اتاق، چند عکس دیگر را از تکه طنابی آویزان کرده بودند. عکس ها به زندانیانی تعلق داشتند که قبلا وارد این اتاق شده بودند.

سلول های عمومی و انفرادی

از این جا به بعد باید با چشم بند روانه می شدند. صداها مفهوم دیگری پیدا کرده می کرد. در اول باز می شد. در دوم... سسوم... از یک راهروی تو در تو و پر از در عبور می کردند. در این جا رسم بود، زندانیان با گذر از هر در یک بار زمین می خوردند؛ چون در ها، لبه ها و قرقیز های بلندی داشتند. آن وقت ها این جا، ۴ بند انفرادی با ۸۶ سلول و دو بند عمومی با ۱۸ سلول داشت. مساحت بزرگ ترین سلول عمومی ۳۰ متر مربع بود که برای ۳۰ زندانی گنجایش داشت. ظرفیت کل زندان، اندازه ۲۰۰ نفر زندانی بود اما گاهی تا ۸۰۰ نفر را هم این جاز زندانی می کردند. گاهی سلول به قدری شلوغ می شد که همه ناچار بودند ایستاده بخوابند.

شکنجه گاه ها

آن روزها، چندین شکنجه گاه در این زندان بود که هر کدام را بهر کاری ساخته بودند! شکنجه گاه زنان و مردان مجزا بودند. هر گروهی را با روش های ابداعی و خاصی شکنجه می کردند. شکنجه گر های ساواک از همه بدتر بودند. آن ها وسایل گوناگونی داشتند



بخش های مختلف موزه عبرت
در طراحی این موزه سعی شده فضایی مشابه آنچه در زندان واقعی وجود داشته، ایجاد شود. به همین دلیل صحنه هایی از آنچه پیش از انقلاب در این زندان رخ داده، بازسازی و برای مخاطبین توضیح داده می شود. به طور مثال اولین جایی که هر زندانی به آن وارد می شد، اتاق افسر نگهبان بود. در این اتاق اطلاعات زندانی ثبت می شد، و سسایش را می گرفتند و با چشم های بسته او را به داخل زندان منتقل می کردند. در بخش دیگر، محل نگهداری البسه زندانیان دیده می شود. هر زندانی شمارهای داشت که روی کمدها و بر لباسش نوشته می شد.

در قسمت های بعدی بازدید، ابتدای هر بخش یک ویدئو کوتاه به وسیله ویدئو پرژکتور روی دیوار برای بازدید کنندگان نمایش داده می شود. بعد از آن، راهنما توضیحات بیشتر را ارائه داده و به سوالات احتمالی بازدید کنندگان پاسخ می دهد. نکته جالب اینکه همه راهنماهای این موزه، زمانی از زندانیان این زندان بوده اند. آن ها همچنین خاطرات شخصی خودو آنچه با چشم های خودشان در آن روزها دیده اند را برای شما روایت می کنند و با روی باز به سوالات شما جواب می دهند. اتاق های تاریک بانور کم، فضایی مخوف را ایجاد کرده است. این حس و حال تداعی کننده چیزی است که روزی زندانیان میان این راهروها و اتاق ها تجربه کرده اند. ماکت هایی از شکنجه کنندگان و زندانیان در بخش های مختلف قرار گرفته و سعی شده تا روش های مختلف شکنجه به وسیله آن ها به تصویر کشیده شود. همچنین پوسترهایی از زندگینامه معروف ترین شکنجه کنندگان آن زمان ساواک، در قسمت های مختلف وجود دارد. مخوف ترین وسیله شکنجه در این زندان، وسیله ای به نام آیلو بود که مکتی از آن هم در داخل موزه وجود دارد. زندانی به این دستگاه بسته می شد، کلاهی آهنی روی سرش قرار می گرفت و بعد با کابل به کف پایش می زدند تا به این روش او را شکنجه کنند.

به همین ترتیب روش های دیگر شکنجه مثل قفس داغ، تخت شلاق و... وجود داشت که در این موزه به طور کامل درباره آن ها توضیح داده می شود. یکی از راهنمایان موزه این طور بیان می کرد که از آن جایی که هنگام انجام شکنجه ها، حسی غریب که شاید هرگز آن را تجربه نکرده باشید. اگر اولین بار است که یک زندان واقعی را از نزدیک می بینید، این وقتی از ورودی وارد زندان می شوید، ترسی توأم با غم شما را فرامی گیرد. محسوس غریب که شاید هرگز آن را تجربه نکرده باشید. اگر اولین بار است که یک زندان واقعی را از نزدیک می بینید، این موزه دیدار از موزه عبرت

ساده ای نیست. این بخش ها پیچیدگی فضا را بیشتر کرده است. معماری بنا به گونه ای شکل گرفته که هیچ صدایی از آن به بیرون از زندان نمی رسد. با این حال صدادر فضای داخلی زندان می پیچید. این موضوع هم باعث آزار بیشتر زندانیان می شد.

این ساختار باعث شده بود تا مدت ها کسی از وجود چنین زندانی در قلب تهران خبر نداشته باشد. زندان عبرت در گذشته زمستان های بسیار سرد و تابستان های بسیار گرمی داشته است. ظرفیت زندان ۲۰۰ نفر است؛ اما گفته شده گاهی حتی تا ۸۰۰ زندانی هم در آن نگهداری می شد. گاهی تعداد زندانیان در سلول ها آنقدر زیاد بود که مجبور بودند ایستاده بخوابند.

بازدید از موزه عبرت

وقتی از ورودی وارد زندان می شوید، ترسی توأم با غم شما را فرامی گیرد. محسوس غریب که شاید هرگز آن را تجربه نکرده باشید. اگر اولین بار است که یک زندان واقعی را از نزدیک می بینید، این



حس در شما بیشتر هم می شود. حس تماشای ساختمانی بی روح با دیوارهای بلند که هیچ راهی به بیرون نداشته است. هر چند در واقعیت هم همینطور بود. ابتدای ورود به زندان، روی دیوارهای دو طرف مسیر، پلاک هایی نصب شده است. روی این پلاک ها، اسمی افرادی که زمانی در این زندان شکنجه شده اند، همراه تاریخ دستگیری و پیشه آن ها آمده است. آدم هایی که هر کدام برای آرمان و عقیده خود جنگیدند و حالا فقط یک پلاک از آن ها روی دیوارهای این زندان باقی مانده است.

کمی جلوتر چند نمونه از اتومبیل های قدیمی را می بینید که جذابیت خودش را دارد. این اتومبیل ها در زمان پیش از انقلاب، توسط افراد حکومتی مورد استفاده قرار می گرفتند.

بلکه برای آشنایی یاد رک حوادث آن زمان، این مکان ها را برامی کنند.

تاریخچه

این بنا در سال ۱۳۱۱ هم زمان با حکومت رضا شاه، به عنوان اولین زندان مدرن تهران توسط مهندسین آلمانی ساخته شد. از سال ۱۳۱۶ به پربرداری از زندان به طور رسمی آغاز شد. این زندان ابتدا توقیفگاه بود. سپس مدتی به عنوان اولین زندان اختصاصی زنان مورد استفاده قرار گرفت؛ اما داستان اصلی این زندان مخوف، به زمان پهلوی دوم برمی گردد. اواخر دوره پهلوی دوم و با افزایش فعالیت های انقلابی برای سرکوب شورش های ضد حکومت، کمیته ای با عنوان کمیته ضد خرابکاری تشکیل شد. این کمیته با الگوبرداری از سیستم اطلاعات انگلیس بود و کمیته ساواک و شهربانی را در برمی گرفت. در آن زمان بود که این زندان، به دلیل ویژگی های معماری خاص، به عنوان محل شکنجه زندانیان سیاسی در نظر گرفته شد.



پگاه دهدار، راهنمای گردشگری

اگر به تاریخ علاقه مند هستید و می خواهید اطلاعات بیشتری از آن به دست آورید، بازدید از بناهای تاریخی و موزه ها در کنار مطالعه، یک راه خوب خواهد بود. بدیهی است گذشته هم مانند حال همیشه زنده است. گذشتگان نیز فراز و نشیب های زیادی را تجربه کرده اند. به همین دلیل بناهای تاریخی هم فقط شامل باغ ها و عمارت های زیبای شاهان گذشته نمی شوند، بلکه در بعضی آثار تاریخی، تلخی های دوران پیش به نمایش گذاشته شده است. برای آشنایی کامل با گذشتگان، باید قسمت های تلخ تاریخ را هم ببینید. در این مطلب به معرفی یکی از دیدنی های می پردازیم که یادآور بخش های تلخی از تاریخ است. موزه عبرت تهران که از زندان موزه های پایتخت است و برخی آن را ترسناک ترین موزه ایران نامیده اند. در گردشگری به این گونه دیدنی ها، گردشگری سیاه می گویند. دیدنی هایی که روی تاریخ را به تاریخ را برای ما نمایان می کنند و شاید مناسب سلیقه عموم مردم نباشند.

موزه عبرت، این عنوان شاید برایتان جالب باشد چون اینجا خبری از گل و بلبل و اشیاء تاریخی نیست. اینجا یک زندان در زمان رژیم قبلی بوده است که به شکنجه گاهی ترسناک شهرت دارد اما بازدیدش خالی از عبرت نمی تواند باشد و دلیل اسمش هم همین است. از موزه های بزرگ و مهم تهران است که مکان های بسیاری برای دیدن دارد و از آن زمان سخنانی را در خود دارد. به این گونه مکان ها زندان موزه می گویند که دیدنشان برای تفریح و سرگرمی نیست